



چرا به غلامرضا تختی، جهان‌پهلوان می‌گفتند؟

او را با نام «جهان‌پهلوان» می‌شناسند. جوانی که هنگام مرگ ۳۷ سال بیشتر نداشت اما تا همان زمان به روایتی شگفت‌انگیز تبدیل شده بود. با جوانمردی‌هایش، با افتخار آفرینی‌هایش، با فروتنی‌اش در برابر مردمی که از فقیرترین اقشار آنها، از محله خانی‌آباد، برخاسته بود. تختی، بدل به یک پهلوان واقعی شد اما درعین‌حال پهلوانی که گویای نیاز مردم ما بود و هست. و شاید امروز بیش از هر زمان دیگری، همه ما به به روحی گمشده و پهلوانی، به الگویی از دست رفته برای بازسازی اخلاقی و اجتماعی خود نیاز داشته باشیم. الگویی برای آن‌که نشان دهد اگر هنوز انسان و انسانیتی بر جا است، به دلیل وجود ارزش‌های اخلاقی والایی است که انسان‌هایی چون «تختی» بسا زندگی و حتی با مرگ خود آفریدند و از همین راه خویشستن را در ذهن میلیون‌ها نفر جاودان کردند. جاودانی، اکسیری جادویی که انسان‌ها با هراس بی‌پایان‌شان از مرگ و عدم توانایی‌شان به درک این پدیده طبیعی، همواره به دنبالش بوده‌اند، شاید، جایی نباشد جز در خود «مرگ»، مرگی در قامت بلند یک «جهان‌پهلوان». در پایان به این نکته که در کتاب قابوس‌نامه، اثر کیکاووس بن وشمگیر، آمده است: «اصل جوانمردی سه چیز است: یکی آن‌که هرچه گویی بکنی و دیگر آن‌که خلاف راستی نگویی، سوم آن‌که شکیب را کاربندی، زیرا هر صفتی که تعلق دارد، به جوانمردی به زیر آن سه چیز است.»

پاره‌ای از قهرمانان، از خوی و منش پهلوانی به دور افتاده‌اند. یکی از آسیب‌های ورزش حرفه‌ای این است که ورزشکار می‌کوشد به هر شیوه‌ای، حتی با ترفند و نیرنگ به قهرمانی برسد اما پهلوان، هرگز روا نمی‌دارد که به لغزش، گناه، پلشتی، تباهی و سیاهی دامان خود را آلوده کند. هم از این‌روست که پهلوانی، در منش و رفتار و خوی با درویشی سنجیده می‌شود.

در روزگارانی در تاریخ ایران، این هر دو به هم رسیده‌اند و با هم یکی شده‌اند. لذا آیین جوانمردی با آیین پهلوانی یکی است. بر همین اساس است که در شاهنامه فردوسی که نامه فرهنگ و منش و خوی ایرانیان است، مایه شگفتی نیست که منش پهلوانی و جوانمردی بازتابی گسترده یافته باشد چون می‌توان گفت شاهنامه، بیشترین پیوند را با فرهنگ و منش پهلوانی دارد.

از همین‌روست که غلامرضا تختی را جوانمردی که ردای پهلوانی دارد، بر تن پوشانند. او به واسطه پایمردی که در ورزش کشتی از خود نشان داد، توانست ردای پهلوانی را بر تن کند. اگرچه او رخ در نقاب خاک کشید اما هیچ‌گاه پشت پهلوانیش بر خاک کشیده نشد. او جایگاهی بی‌مانند و جایگزین‌ناپذیر در حافظه تاریخی مردم ما دارد.

پهلوانی که نسل‌های پی‌درپی از کسانی که او را بر سکوی افتخار دیده‌اند تا کسانی که تنها اینجا و آنجا سخن و یادی از وی شنیده‌اند،

یک گستره معنایی را توضیح دهیم، قصدمان این است که به یک نکته مهم اشاره شود و آن این است که چهره‌ای به نام غلامرضا تختی، در عرصه ورزش ما چگونه پدید آمد و چگونه او تبدیل به یک اسطوره جوانمردی و پهلوانی شد؟ چرا غلامرضا تختی از تاریخ ورزش ما حداقل تا زمان معاصر که نزدیک به نیم قرن از مرگ پر از ابهام او می‌گذرد، نام و آوازه رفتار و عملکرد و نگرش و جهان‌بینی او همچنان بر ورزش ما سایه افکنده و در بسیاری از ورزش‌ها و حتی برخی دیگر از حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، از او به عنوان الگو یاد می‌شود؟ نسبت او با رفتار جوانمردی و پهلوانی چگونه است که او هنوز با نام «جهان‌پهلوان تختی» یاد می‌شود. البته در اینجا باید قدری در مورد پهلوانی نکته‌ای را اشاره کنم که بی‌ربط به صفتی نیست که به جاویدان نام غلامرضا تختی داده شده است.

جوانمردی یا عیاری، در فرهنگ و تاریخ ایران، پیوندی تنگ و ناگسستگی با پهلوانی دارد. به سخن دیگر، پهلوان اگر راد و جوانمرد نباشد، پهلوان نیست. یکی از ویژگی‌های بنیادین که در اندیشه و منش ایرانی، پهلوان را از قهرمان جدا می‌دارد، همین است. پهلوان به ناچار، عیار و جوانمرد هم هست اما قهرمان چنین نیست. دست‌کم قهرمان کاربرد و معنایی که این واژه در روزگار ما دارد. ما می‌بینیم که پرسمان بزرگ در ورزش امروز ما، چه در ایران و چه در جهان، آن است که

می‌گیرد. یکی از اموری که در جهان انسانی پای گذاشته و ما قبلاً به آن اشاره داشتیم، همین رسم جوانمردی و آیین فتوت و پهلوانی است. این رسم در یک برهه خاص و در یک مقطع تاریخی و به عبارتی زمینه‌های فرهنگی و حتی سیاسی خاص خود را می‌طلبد. در این میان ما در دوره معاصر بخصوص پس از دوران مشروطیت و تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی در رفتار سیاسی و از سوی دیگر آشنایی ایرانیان با جهان مدرن در عرصه فرهنگی و اجتماعی، شاهد ظهور چهره‌های مختلفی در تمامی عرصه‌های نامبرده بودیم که توانستند تأثیری جدی بر رفتار و نگرش و حتی آینده مردم داشته باشند اما در این میان، گستره ورزش را نمی‌توان نادیده گرفت چرا که عرصه ورزش با مناسبات مختلفی که روبه‌روست، حوزه‌های مختلفی اعم از فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و حتی دینی با آن ارتباط می‌یابند. طی سال‌های اخیر در اکثر حوزه‌های ورزشی ما شاهد کنش‌هایی بودیم که به تنهایی تأثیری جدی در نگرش اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایرانیان داشته است. البته بیشتر این نوع رفتار را ما در بازی فوتبال شاهد هستیم و در دیگر رشته‌های ورزشی به مراتب کمتر بوده است. در تمامی رشته‌های ورزشی نیز چهره‌هایی ظهور کردند که آنها به عنوان کسانی که دارای رفتار اخلاقی ویژه‌ای هستند، به مردم معرفی می‌شوند اما با تمامی این تفصیل که بدان اشاره شد و سعی شد

منوچهر دین‌پرست
M.Dinparast

اگر اندکی در تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی کنکاش کنیم، به نام و آوازه کسانی برمی‌خوریم که از آنها به عنوان جوانمردان و پهلوانان یاد می‌شود. تبلور اعمال و نگرش این افراد، معمولاً به رفتار اجتماعی و یا در صحنه‌های نبرد آنها بازمی‌گردد اما روایت‌ها و حکایت‌هایی که از این افراد به‌جای مانده را ما اغلب در متون نظم و نثر می‌بینیم اما این روایت‌ها مملو از کرامات، پایداری، نیکی، رعایت ادب و... است. بنابراین برای پی بردن به نوع نگرش آنها، باید آن متون را مورد بررسی قرار داد اما در اینجا، صحبت ما سخن از بررسی رفتار جوانمردان و یا پهلوانان در عرصه اجتماعی و یا نبرد نیست چرا که برای کسب شناخت دقیق و عمیق از هر جریان اجتماعی، بایستی مجموعه‌ای از عوامل و جریانات دیگر را در ارتباط با آن مورد توجه قرار داد. به ویژه اگر جریان اجتماعی مورد مطالعه در دوره گسترده‌ای از حیات بشری، تطور و تکوین یافته و با فرهنگ‌ها و اجتماعات گوناگونی نیز ارتباط برقرار کرده باشد. حتی قدسی‌ترین امور در عالم، هنگامی که به دست بشر می‌افتند، بسیاری تغییرات و تحریفات را در خود ملاحظه می‌کنند. هر امری که در جهان انسانی پای می‌گذارد، بسان بارانی لطیف، که با گذر از هر جا، لاجرم بوی و روی آن را به خود